

## **Examining the consequences of jealousy from the perspective of the Qur'an and the books of hadith**

Abolghasem Valizadeh<sup>1</sup>

Mohammad Mahdi Valizadeh<sup>2</sup>

### **Abstract**

Today, the use of religious teachings in the process of counseling and psychotherapy has attracted a lot of attention and many studies have been done in this field. The main purpose of the research is to provide a new interpretation and explanation of Islam's approach to the consequences of jealousy using religious findings and moral knowledge, and in some cases, it has been accompanied by a psychological perspective. The research method is descriptive-analytical, ie using the Holy Quran, interpretations of the Quran, books of hadiths and humanities resources, the effects of jealousy have been identified and analyzed.

In this regard, the consequences of jealousy are divided into two types, spiritual and material; The disappearance of faith, the disappearance of goodness, the immersion in sin, the avoidance of divine mercy and the rejection of obedience are known to be the spiritual effects of jealousy. Life is considered one of the most important material consequences of jealousy. Preparing to promote moral teachings and prevent moral vices is one of the basic findings of research.

**Keywords:** Moral vices, jealousy, consequences, spiritual effects, material effects.

---

1. Assistant Professor in Department of Islamic Education, University of Urmia, Iran (responsible author).  
a.valizadeh@urmia.ac.ir

2. M.Sc. Student, Department of Islamic Ethics, Islamic Education University, Qom, Iran.  
montazere14@gmail.com

## پیامدشناسی حسد از منظر قرآن و روایات

ابوالقاسم ولی زاده\*، محمدمهدی ولی زاده\*\*

### چکیده

امروزه بهره‌گیری از آموزه‌های دینی در فرایند مشاوره و روان‌درمانی، توجه بسیاری را به خود جلب کرده و مطالعات زیادی نیز در این زمینه صورت گرفته است. هدف اصلی پژوهش حاضر، ارائه تقریر و تبیینی جدید از رویکرد اسلام درباره پیامدهای حسادت با بهره‌گیری از یافته‌های دینی و دانش اخلاق است که در مواردی نیز با نگاه روان‌شناختی همراه شده است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است؛ یعنی پیامدهای حسد بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، تفاسیر آن، کتب احادیث و منابع علوم انسانی، شناسایی و تجزیه و تحلیل گردیده است. این پیامدها در دو نوع معنوی و مادی دسته‌بندی شده است؛ زایل شدن ایمان، از میان رفتن نیکی‌ها، فرو رفتن در گناه، دوری از رحمت الهی و عدم قبولی طاعات از آثار معنوی حسد و تفرقه، بیماری‌های جسمی، افسردگی، تنهایی، ناامنی اجتماعی، تشخیص نادرست و لذت

\* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه ارومیه، ایران (نویسنده مسئول).

a.valizadeh@urmia.ac.ir

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد اخلاق اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی قم و دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم، ایران.

montazere14@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۶/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵



نبردن از زندگی از مهم‌ترین پیامدهای مادی حسد است. زمینه‌سازی برای ترویج آموزه‌های اخلاقی و پیشگیری از ابتلا به رذایل اخلاقی از یافته‌های اساسی این تحقیق به‌شمار می‌رود.

## کلیدواژه‌ها

رذایل اخلاقی، حسد، پیامدها، آثار معنوی، آثار مادی.

## مقدمه

اختلالات روانی در جوامع انسانی روز به روز در حال گسترش‌اند و بشر را در معرض آسیب‌های جدی قرار داده‌اند. همان‌طور که اختلال در نظام جسمی انسان باعث بروز امراض جسمی می‌شود، اختلال در نظام روح او نیز باعث ابتلا به مرض‌های روحی می‌شود. در میان مباحث مهم روان‌شناختی، هیجان‌اتی که موجب اختلال در کارکرد عادی فرد در زندگی می‌شوند و گاه حتی سلامت جسمی و روانی وی را به خطر می‌اندازند، از اهمیت خاصی برخوردارند. متأسفانه امروزه در مطالعات اخلاقی به یافته‌های جدید علمی چون روان‌شناسی و علوم تربیتی کمتر توجه می‌شود و در پژوهش‌های مربوط به تربیت اخلاقی و علم اخلاق از تحقیقات میدانی در زمینه اخلاق، بهره لازم گرفته نمی‌شود.

حسادت یکی از مهم‌ترین اختلالات روانی و از رفتارهای ضد اخلاقی است که انسان همواره با خطر ابتلا به آن مواجه است. قرآن کریم و معصومین علیهم‌السلام با بیانات مختلف خطر ابتلا به حسد را گوشزد کرده و انسان را به رفع این اختلال فراخوانده‌اند. در قرآن کریم بیش از هفت بار از حسادت و خطر آن سخن به میان آمده است: سوره مائده (۲۷-۳۰)، سوره یوسف (۸-۹)، سوره بقره (۱۰۹)، سوره نساء (۵۴)، سوره حشر (۱۰)، سوره حجر (۴۷) و سوره فلق (۵).

در علمی مانند اخلاق و روان‌شناسی همواره به ابعاد مختلف این رذیله اخلاقی توجه شده است، ولی امروزه دستاوردهای این علوم درباره بیشتر ناهنجاری‌های



اخلاقی و رفتاری، از جمله حسادت، ناکافی است؛ از این رو، لازم است در درمان اختلالاتی چون حسد از رهنمودهای قرآن کریم و حضرات معصومین بهره بگیریم. ساماندهی مسائل فردی و اجتماعی از یک سو و فقدان تحلیل اخلاقی جامع و متقن در این موضوع از سوی دیگر، ضرورت انجام این پژوهش را آشکار می‌سازد. یکی از راه‌های رهایی از حسد، یادآوری پیامدها و عوارض منفی آن است. پیامدهایی که برای حسادت در احادیث اسلامی برشمرده شده، به اندازه‌ای هولناک است که به نظر می‌رسد در بین رذایل اخلاقی، هیچ یک به اندازه حسد، دارای پیامدهای متنوع فردی، اجتماعی، مادی و معنوی نیست. در روایات معصومین، حسد ریشه همه رذایل و رأس همه عیب‌ها معرفی شده است (تمیمی آمدی، ۱۳۴۶، ص ۲۹۹-۳۰۰).

پژوهش حاضر در صدد است تا خلأ موجود در این زمینه را با بررسی آثار و پیامدهای حسد از منظر آیات و روایات برطرف کند و به پرسش «آثار و پیامدهای حسادت در قرآن و روایات چیست؟» پاسخ علمی و مستدل بدهد.

### پیشینه تحقیق

تاکنون درباره حسد، مطالعات و تحقیقات زیادی در متون اخلاقی و روان‌شناسی انجام گرفته، ولی نگاه‌های اختصاص یافته به موضوع پیامدهای حسد اندک‌اند؛ برای مثال، اسماعیل صادقی در کتاب «حسد و مضرات و عواقب آن»، گورنیه و روسو در کتاب «غلبه بر حسادت» و محمدعلی سروش در کتاب «شعله‌های سرد»، علاوه بر بیان اسباب و زمینه‌ها و روش‌های پیشگیری و درمان حسادت، به پیامدشناسی آن نیز پرداخته‌اند.

همچنین، حمیده خوش‌بخت در پایان‌نامه «مبانی نظری و پیامدهای روان‌شناسی حسادت در قرآن و حدیث»، معصومه حاجی‌زاده در پایان‌نامه «حسد از دیدگاه قرآن و سنت، آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی آن»، نورسته قنبرزاده و زهره نریمانی در مقاله «تحلیل آثار مادی حسادت در کلام امیرمؤمنان» و



شهاب‌الدین ذوفقاری، زکیه نجاریان و بتول نجاریان در مقاله «بررسی برخی از اثرات حسادت ورزی بر سلامت روان از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی» درباره آثار حسادت بحث کرده‌اند.

به باور نگارندگان، آثار حسد تاکنون هم از منظر اخلاق و هم از منظر روان‌شناسی بررسی شده است، اما اندیشمندان علوم اسلامی (به‌ویژه دانش اخلاق) به جنبه‌های روان‌شناختی آن پرداخته‌اند و روان‌شناسان که بر پایه تحقیقات تجربی کار می‌کنند، به متون دینی توجه نداشته‌اند که این یک کاستی جدی در مطالعات میان‌رشته‌ای محسوب می‌شود.

اشکال عمده بعضی از پژوهش‌های اخلاقی، مستند نبودن بیشتر آثار حسد به آیات و روایات است؛ به طوری که معلوم نیست این آثار از منابع اسلامی استخراج شده یا حاصل تلاش و تجربه و ذوق شخصی است. نوآوری این پژوهش این است که اولاً، در بیشتر موارد، شواهد قرآنی و روایی آثار و پیامدها ذکر شده است و ثانیاً، کوشش شده به تمام آیات و روایات مربوط به آثار حسد استناد و بعضی از این پیامدها نیز با نگاه روان‌شناختی بررسی شود.

### روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شد و پیامدهای حسد با بررسی و مطالعه کتب اخلاق و تربیت اسلامی، متون دینی و منابع روان‌شناسی تحلیل شد. بدین ترتیب که بعد از مطالعه آیات و روایات مرتبط با موضوع حسد، آثار و پیامدها استخراج و سخنان دانشمندان اخلاق و در مواردی محققان روان‌شناسی بررسی و تحلیل شد. بنابراین، روش در این تحقیق، توصیفی - تحلیلی است.

ساختار تحقیق چنین است که نخست، آثار در دو بخش معنوی و دنیوی دسته‌بندی شده‌اند، بعد، هر یک از آثار بر اساس یافته‌های علمی و دینی، مصداق‌یابی و ساماندهی شده و سپس، با بهره‌گیری از آیات و روایات مستندسازی شده‌اند.



## مفهوم‌شناسی حسد

حسد در اصطلاح صاحب‌نظران اسلامی، «حالتی است نفسانی که صاحب آن آرزو کند سلب کمال و نعمت متوهمی را از غیر، چه آن نعمت را خود دارا باشد یا نه و چه بخواهد به خودش برسد یا نه» (موسوی الخمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۵) و در اصطلاح روان‌شناسان، «واکنشی هیجانی است که از حدود دو سالگی آغاز می‌شود و با رشد کودک، ممکن است تا بزرگسالی ادامه یابد و طبق الگوهای مختلف فرهنگی، به صورت‌های متفاوتی جلوه‌گر شود.

حسادت در کودک، پاسخی طبیعی است به محرک‌ها و هنگامی ایجاد می‌شود که به اعتقاد وی، عاطفه یا محبتی را از دست داده باشد. در الگوی حسادت، غالباً نوعی ترس نیز وجود دارد؛ زیرا حسود احساس می‌کند که دیگری محبت شخص موردعلاقه او را به او به خطر انداخته است یا مقامی را که او انتظار رسیدن به آن را داشته، دیگری احراز کرده است. بنابراین، موقعیتی که حسادت را برمی‌انگیزد، غالباً یک موقعیت اجتماعی است» (Hurlock, 1959; Idem, 1978, p.203).

### ۱. تبیین آثار حسد

محل اصلی بروز بیماری‌های روانی، روح انسان است. محل بروز آثار و پیامدهای حسد نیز بیشتر روح انسان است و به دلیل تأثیرپذیری روح، انسان از نظر معنوی و دنیوی آسیب‌های زیادی می‌بیند. با مرور آیات و روایات می‌توان آثار حسادت را در دو بعد معنوی و دنیوی دسته‌بندی کرد؛ دسته نخست به بررسی پیامدهای معنوی و روانی حسد می‌پردازد و دسته دوم به پیامدهای مادی و جسمانی آن در دنیا اختصاص دارد.

#### ۱-۲. آثار و پیامدهای معنوی

زیان‌های معنوی حسد به مراتب بیشتر از زیان‌های مادی و جسمانی آن است؛ زیرا حسد ریشه‌های ایمان را نابود و انسان را به عدل و حکمت الهی بدبین می‌کند، چرا



که حسود در اعماق قلبش به بخشنده نعمت‌ها یعنی خداوند متعال معترض است. بر اساس آیات و روایات، شماری از پیامدهای دینی و معنوی حسد عبارتند از:

#### ۱-۱-۲. زایل شدن ایمان

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «و لا تُحاسِدُوا فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطْبَ؛ به یکدیگر حسادت نورزید. به درستی که حسادت ایمان را می‌خورد؛ چنان که آتش هیزم را نابود می‌کند» (کلینی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ص ۳۰۶). همین روایت را سید رضی از حضرت علی علیه السلام نقل کرده است (نهج البلاغه، خطبه ۸۶). تنافی ایمان و حسد به حدی است که حضرت، حسد را به آتشی تشبیه کرده که ایمان را از بین می‌برد؛ زیرا دل حسود به خشم محسود سرگرم است. پس، به یاد خدا و آخرت نمی‌افتد تا نور ایمانی نصیبش شود، عیوب نفس خود را نمی‌بیند تا آن‌ها را اصلاح کند، گناهان بی‌شمارش را یاد نمی‌کند تا از آن‌ها توبه نماید و در نماز و دیگر عبادات، حضور قلبی ندارد تا عمل صالحی داشته باشد.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «الحسد يميث الايمان في القلب كما يميث الماء الثلج؛ حسد ایمان را در قلب می‌میراند چنان که آب، برف را از بین می‌برد» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ص ۱۸). حسد باعث می‌شود ایمان در قلب حسود، همانند حل شدن نمک در آب، ذوب شود و از بین برود. در یکی از توصیه‌های امام صادق علیه السلام به ابن جنذب آمده است: «و من حسد مؤمنا انماث الايمان في قلبه كما ينماث الملح في الماء؛ کسی که به مؤمنی حسادت بورزد، ایمان در قلب او محو می‌شود، چنان که نمک در آب حل می‌شود» (ابن شعبه، ۱۳۸۵، ص ۳۰۳). بنابراین، ایمان و حسد با هم جمع نمی‌شوند و حسد با روح ایمان سازگار نیست؛ چنان که حضرت امیر فرمود: «الايمان برىء من الحسد؛ ایمان از حسادت خالی است» (تمیمی آمدی، ۱۳۴۶، ص ۲۹۹).

شماری از محققان روان‌شناسی نیز به این پیامد حسد اشاره کرده‌اند (پهلوان،

۱۳۸۳، ص ۴۸؛ سروش، ۱۳۸۵، ص ۲۸).



۲-۱-۲. از میان رفتن نیکی‌ها

حسادت باب گناهان دیگر را به روی انسان می‌گشاید و حسنات و نیکی‌های انسان نیز با حسادت از بین می‌رود. تشبیه ایمان و حسد به هیزم و آتش درباره حسنات و حسد نیز آمده است؛ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «ایاکم و الحسد فانه يأكل الحسنات كما تأكل النار الحطب؛ از حسد پرهیزید؛ چرا که حسنات را از بین می‌برد، چنان که آتش، هیزم را نابود می‌کند» (شهید ثانی، ۱۳۶۲، ص ۵۲).

آن حضرت در ضمن خطبه غدیر نیز فرمود: «معاشر الناس ان ابليس اخرج آدم من الجنة بالحسد فلا تحسدوا فتحبط اعمالکم و تزل اقدامکم؛ ای مردم همانا شیطان به وسیله حسد، آدم را از بهشت بیرون کرد. پس، حسد نورزید که اعمالتان نابود شده و قدم‌هایتان می‌لغزد (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ص ۱۶)؛ یعنی حسادت باعث نابودی اعمال گذشته و لغزش‌های آینده می‌شود. عده‌ای از روان‌شناسان نیز تباهی نیکی‌ها را از پیامدهای حسد شمرده‌اند (پهلوان، ۱۳۸۳، ص ۴۹؛ سروش، ۱۳۸۵، ص ۲۹).

۲-۱-۳. ایجاد رذیلت‌های اخلاقی

بعضی از گناهان زاینده گناهان دیگرند. یکی از این گناهان حسد است. حسد انسان را به گناهان دیگری از جمله تهمت، دروغ‌گویی، نفاق، غیبت، اهانت، کتک زدن، قتل و نابودی دیگران سوق می‌دهد؛ از این رو، حضرت علی علیه السلام حسد را ریشه صفات رذیله دانسته است: «رأس الرذائل الحسد؛ حسد ریشه تمام رذیلت‌هاست» (تمیمی آمدی، ۱۳۴۶، ص ۳۰۰)؛ یعنی در اثر حسادت است که رذایل اخلاقی دیگر از انسان صادر می‌شود. حضرت امیر در جایی دیگر می‌فرماید: «من وُلِعَ بالحسد وُلِعَ به الشؤم؛ کسی که به حسادت تمایل دارد، به بدی‌ها نیز گرایش پیدا می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ص ۱۲).





## ۲-۱-۴. آفت زدگی دین

حسود با حسادت ورزی در برابر اراده و مشیت الهی ایستاده، به مخالفت با آن می پردازد و می کوشد حکمت الهی را تغییر دهد. در حدیث قدسی آمده است: «الحاسد ساخط لِنِعْمَتِي، ضَادٌّ لِقِسْمِي الَّذِي قَسَمْتُ بَيْنَ عِبَادِي وَ مِنْ يَكُ كَذَلِكَ فَلَسْتُ مِنْهُ وَ لَيْسَ مِنِّي؛ حسود از نعمت های من ناراحت و مخالف تقسیم روزی بین بندگام است و هر کس چنین باشد، من از او نیستم و او از من نیست» (کلینی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ص ۳۰۶).

هر چیزی آفتی دارد و هنگامی که آفت بر نعمتی هجوم آورد، آن را فاسد می کند و از بین می برد. دین نیز آفتی دارد که یکی از آن ها حسد است. امام علی علیه السلام فرمود: «الحسد آفة الدين؛ حسد آفت دین است» (همان، ج ۸: ص ۱۹). امام صادق علیه السلام نیز حسد را یکی از اصول کفر دانسته است: «اصول الكفر ثلاثة: الحرص والاستكبار والحسد؛ ریشه های کفر سه چیز است: حرص، برتری جویی و حسادت» (همان، ج ۲: ص ۲۸۹).

در تحقیقات روان شناسی اسلامی نیز به این پیامد مهم توجه شده است (سروش، ۱۳۸۵، ص ۲۹).

## ۲-۱-۵. فرو رفتن در گناه

حسادت يك امر قلبی است و اگر حسود بخواهد حسادت خود را ابراز کند، باید آن را به صورت های گوناگونی مثل غیبت، تهمت، دروغ، فحش، ضرب و شتم و ... بروز دهد. حسود برای رسیدن به مقصد خود، یعنی زایل کردن نعمت از دیگران، تمام نیروی خود را به کار می گیرد و می کوشد طرف مقابل را به زمین بزند.

حضرت امیر علیه السلام سه خصلت حرص، تکبر و حسد را انگیزه های افتادن در گناه معرفی می کند: «و الحرص و الكبر و الحسد دواعی الی التفحّم فی الذنوب؛ حرص، تکبر و حسد انگیزه های فرو رفتن در گناهان اند» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱). باید گفت حسد اولین خطاست و باعث گناهان دیگر شده است. در روایتی از جناده بن



ابی امیه چنین نقل شده است: «اول خطیئة كانت الحسد، حسد ابليس آدم ان يسجد له حين امره فحمله الحسد على المعصية؛ اولین خطایی که سر زد حسد بود؛ شیطان به آدم حسادت کرد که موقع دستور الهی به آدم سجده کند، پس این حسادت او را بر گناه واداشت» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۰: ص ۲۸۱).

## ۲-۱-۶. دور شدن از رحمت الهی

امام صادق علیه السلام فرمود: «الحاسد مضرّ بنفسه قبل ان يضرّ بالمحسود كابليس اورث بحسده لنفسه اللعنة و لآدم الاجتباء و الهدى و الرفع الى محلّ حقائق العهد و الاصطفاء... و بالحسد وقع ابن آدم في حسرة الابد و هلك مهلكا لا ينجو و لا توبة للحاسد لانه مصرّ عليه معتقد به مطبوع فيه يبدو بلا معارض له و لا سبب و الطبع لا يتغير عن الاصل و ان عولج؛ حسود قبل از آنکه به محسود ضرر بزند، به خودش ضرر می زند؛ مانند ابلیس که با حسادت برای خودش لعنت الهی را به جا گذاشت و برای آدم برگزیدگی و هدایت و صعود به مقام حقیقت عهد و انتخاب الهی را به ارث گذاشت. به خاطر حسد بود که پسر آدم (قابیل) در حسرت همیشگی واقع شد و در مهلکه ای افتاد که نجات نیافت. و حسود توبه ندارد؛ چرا که بر حسادت اصرار می ورزد، به آن معتقد است و از آن خوشش می آید. بدون مانع و علتی بروز می کند و طبیعت از اصلش دگرگون نمی شود گرچه درمان شود» (همان، ج ۷۰: ص ۲۵۵).

در مقابل، حسادت نکردن بر نعمت های دیگران موجب جلب رحمت الهی می شود. در روایتی آمده است: «انّ موسى عليه السلام لما تعجل الى ربه، رأى في ظلّ العرش رجلاً فغبطه بمكانه و قال انّ هذا لكريم على ربه فسأل ربه ان يخبر باسمه فلم يخبره باسمه و قال: احدّثك عن عمله، كان لا يحسد الناس على ما آتاهم الله من فضله و لا يعقّ والديه و لا يمشى بالنميمة؛ هنگامی که موسی با خدا مناجات می کرد، چشمش به مردی افتاد که در سایه عرش الهی قرار داشت. پس، به مقام او غبطه خورد و گفت: او حتماً برای پروردگارش گرامی است. سپس، از پروردگار اسمش را پرسید، ولی خداوند اسمش را نگفت و فرمود: از عملش برایت خبر می دهم؛ او به





اینکه خداوند از فضل خویش به مردم عطا می‌کرد، حسد نمی‌ورزید و والدینش را اذیت نمی‌کرد و برای خیرچینی نمی‌رفت» (فیض کاشانی، ۱۳۶۳، ج ۵: ص ۳۲۶).  
 بعضی از روان‌شناسان معاصر، دوری از خدا و زیان رساندن به خویش را از جمله پیامدهای حسد دانسته‌اند (گورنیه، ۱۳۸۴، ص ۵۱؛ پهلوان، ۱۳۸۳، ص ۵۱؛ سروش، ۱۳۸۵، ص ۲۷).

#### ۲-۱-۷. عدم قبولی طاعات

یکی دیگر از پیامدهای معنوی حسد این است که اعمال حسود مورد قبول درگاه الهی قرار نمی‌گیرد. در بخشی از خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر آمده است: «فلا تحسدوا فتحبط اعمالکم و تزلّ اقدامکم؛ حسادت نکنید که اعمالتان از بین می‌رود و قدم‌هایتان می‌لرزد» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ص ۱۶).

در روایتی نقل شده است که: «انّ فی السماء الخامسة ملکاً تمرّ به الاعمال فریما مرّ به عمل کالشمس یضیء نوراً فیرده و یقول هذا فیه حسد فاضربوا به وجه صاحبه؛ در آسمان پنجم فرشته‌ای است که اعمال بندگان از نظر او می‌گذرد. چه بسا عملی را از نظر او می‌گذرانند که مانند خورشید می‌درخشد. پس آن فرشته آن را برمی‌گرداند و می‌گوید در این عمل حسد است، پس آن را به صورت صاحبش بزیند (دیلمی، ۱۳۷۲، ج ۱: ص ۱۲۹).

#### ۲-۱-۸. عذاب جهنم

پیامبر اعظم در وصف وقایع شب معراج فرمود: «زنانی که به صورت سگ بودند و آتش از دهانشان خارج می‌شد، حسودان بودند» (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۲۰: ص ۲۱۳). در روایتی دیگر می‌خوانیم: «و الله لو قدم احدکم ملاً الارض ذهباً علی الله ثم حسد مؤمناً لکان ذلك الذهب مما یکوی به فی النار؛ به خدا قسم اگر یکی از شما به اندازه زمین در راه خدا طلا بدهد، سپس مؤمنی را حسادت ورزد، هر آینه آن طلا از چیزهایی خواهد بود که او را در آتش می‌سوزاند» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ص ۱۹).

خطر این صفت رذیله برای فقها بیشتر از بقیه است؛ هرچند کار علما بیشتر مربوط به امور معنوی است که هیچ مزاحمتی در آن راه ندارد و هر کس، بدون کوچک‌ترین ضرر و زیانی برای دیگری، می‌تواند به بالاترین مرتبه صعود کند. حضرت امیر فرمود: «انَّ الله يعذب الستة بالستة... و الفقهاء بالحسد؛ همانا خداوند شش گروه را به خاطر شش چیز عذاب می‌کند... و فقیهان را به خاطر حسد» (کلینی، ۱۳۸۱ق، ج ۸: ص ۱۶۲).

دوری از حسادت، انسان را به مقامات عالی می‌رساند. نقل شده است که پیامبر اعظم درباره‌ی مردی از انصار شهادت داد که او اهل بهشت است. عده‌ای به این مسئله حساس شدند و رفتار آن مرد را زیر نظر گرفتند. بعد از بررسی دریافتند او اعمال زیادی ندارد، جز آنکه هنگام خوابیدن در رختخواب ذکر خدا را می‌گوید و واجباتی چون نماز صبح را انجام می‌دهد. به او گفتند: «راز اینکه پیامبر تو را اهل بهشت دانست چه بود؟» گفت: «می‌بینید که من اعمال زیادی ندارم، اما این حالت در من وجود دارد که هیچ‌گاه به مسلمانی حتی در دلم خیانت روا نمی‌دارم و بر خیر و نعمتی که خدا بر او عطا فرموده است، حسد نمی‌ورزم» (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۵: ص ۳۲۵).

## ۲-۲. آثار و پیامدهای دنیوی

### ۲-۲-۱. تفرقه و اختلاف

حسادت، آستانه‌ی تحمل انسان را کم می‌کند و باعث بروز اختلاف و تفرقه می‌شود. خداوند در بیان علت تفرقه‌ی قوم‌های حضرت نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم‌السلام می‌فرماید: ﴿وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ﴾؛ «آنان پراکنده نشدند مگر بعد از آنکه علم و آگاهی سراغشان آمد و این تفرقه‌جویی به‌خاطر انحراف از حق (و عداوت و حسد) بود» (شوری: ۱۴). خداوند در آیه‌ای دیگر نیز عامل اختلاف در دین را «بغی» معرفی می‌کند: ﴿وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ﴾؛ «تنها کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند و



نشانه‌های روشن به آن‌ها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق، در آن اختلاف کردند» (بقره: ۲۱۳).

بیشتر مفسران از جمله فخرالدین رازی در «التفسیر الکبیر» (۱۴۱۱ق)، قرطبی در «الجامع لاحکام القرآن» (۱۹۶۷م) و مراغی در «تفسیر المراغی» (۱۹۸۵م)، بغی را حسد تفسیر کرده‌اند. همچنین، طبرسی در «مجمع البیان» (۱۴۰۶ق)، آلوسی در «روح المعانی» (۱۴۰۵ق) و زمخشری در «الکشاف» (۱۴۱۵ق، ذیل آیه)، بغی را به معنی «ظلم و حسد» دانسته‌اند.

## ۲-۲-۲. بیماری‌های جسمی

بین تن و روان آدمی رابطه مستحکمی وجود دارد؛ چنان‌که با بیمار شدن تن آدمی، روح و روان وی نیز بی‌حال و کسل می‌شود و نشاط خود را از دست می‌دهد. در مقابل، در صورت اختلال در روان انسان، جسم وی نیز دچار بیماری می‌گردد. در طب امروز، مباحث مبسوطی با عنوان «بیماری‌های روان‌تنی» وجود دارد. منظور از این بیماری‌ها، بیماری‌هایی جسمی است که در اختلالات روحی ریشه دارند.

حسد آثار نامطلوبی بر جسم و سلامت انسان می‌گذارد. افراد حسود معمولاً افرادی رنجور، حساس، عصبی، پرخاشگر و افسرده‌اند و دستگاه‌های مختلف بدن آنان بر تأثیر این حالات روحی دچار بیماری می‌گردد. افزایش میزان چربی خون، پرفشاری خون، قند (دیابت)، گواتر و... در بسیاری از موارد منشأ عصبی و روحی دارد که این زمینه در افراد حسود وجود دارد و آن‌ها را مستعد این بیماری‌ها می‌کند؛ از این رو گاهی اگر درمان این بیماران با داروهای آرام‌بخش همراه نباشد، مؤثر واقع نمی‌شود و جسم فرد بیمار بهبود نمی‌یابد.

در روایات بسیاری به آثار جسمی حسد توجه شده است؛ برای مثال، حضرت علی علیه السلام در بیان آثار حسد بر وجود انسان فرمود: «الحسد یفنی الجسد؛ حسد بدن را از بین می‌برد» (تمیمی آمدی، ۱۳۴۶، ص ۳۰۱). همچنین، حضرت فرمود: «صحة الجسد من قلة الحسد؛ تندرستی حاصل کمی حسادت است» (نهج البلاغه، حکمت





۲۵۶). حضرت علی علیه السلام در روایت دیگری، حسد را به «زنگار» و بدن را به «آهن» تشبیه کرده است: «كما أنّ الصدأ تأکل الحديد حتى یفنیه كذلك الحسد یکمد الجسد حتى یفنیه؛ چنان که زنگار آهن را می خورد تا اینکه از بین می برد، حسد نیز بدن را ناتوان می کند تا اینکه از بین می برد (تمیمی آمدی، ۱۳۴۶، ص ۳۰۰).

گاهی این آثار جسمی در افراد حسود به وضوح مشاهده می شود، اما آنان به منشأ آن توجه ندارند و نمی دانند از کجا سرچشمه گرفته است و فقط به درمان ظاهری و رفع عوامل غیر واقعی می پردازند. در اینجا سخن امیرالمؤمنین علیه السلام معنی پیدا می کند که فرمود: «العجبُ لغفلة الحساد عن سلامة الاجساد؛ تعجب از این است که حسودان از سلامتی بدنشان غفلت می کنند» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۵).

حاصل آنکه حسود همیشه مریض است و این امراض جسمانی چون در حسد ریشه دارد، تا حسد درمان نشود، شفا نمی یابد. نفس آدمی باید صدها کار انجام دهد که یکی از آنها، اداره بدن و حفظ قوای آن است. آدمی که به حسد مبتلا باشد، نفسش سرگرم محسود است؛ لذا در دیگر شئون (حتی در هضم غذا) کمبود پیدا می کند. نفس اگر نشاط داشته باشد، کارهایش را درست انجام می دهد و گرنه خوراکش را نیز درست هضم نمی کند یا با بی میلی همراه است؛ در نتیجه، بدن هم مریض می شود (پهلوان، ۱۳۸۳، ص ۵۴؛ سروش، ۱۳۸۵، ص ۲۵؛ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ص ۴۸۷).

#### ۲-۳. نداشتن آرامش روان

حسود، آرامش و استراحت ندارد و همیشه در رنج و عذاب و اضطراب است. حضرت امیر علیه السلام فرمود: «الحسد ینکد العیش؛ حسد زندگی را بر انسان تلخ می سازد» (تمیمی آمدی، ۱۳۴۶، ص ۲۹)؛ زیرا با دیدن موفقیت های دیگران دچار حسادت شده، خودخوری می کند و آتشی که در عمق جان خود افروخته است، همه وجودش را مشتعل می گرداند.

حسود همیشه در ذهن خود نابودی و ویرانی را برای دیگران ترسیم می‌کند؛ از این رو، حضرت امیر فرمود: «لا مروءة لکذوب و لا راحة لحسود؛ دروغگو جوانمردی ندارد و حسود راحتی» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ص ۱۷). امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمود: «لا یطمعن الحسود فی راحة القلب؛ حسود آرزوی آرامش روانی نداشته باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰: ص ۲۵۲). شاید دلیل اینکه حسود آرامش روان ندارد، این است که دلش همواره به داشته‌های دیگران و آرزوی از بین رفتن آن‌ها مشغول است.

بسیاری از روان‌شناسان نیز بر این پیامد حسادت تأکید کرده‌اند (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ص ۴۸۸؛ گورنیه، ۱۳۸۴، ص ۳۵؛ پهلوان، ۱۳۸۳، ص ۵۴؛ Briant Gold department of psychology, 1995).

#### ۲-۲-۴. افسردگی

در زندگی همه ما روزهایی پیش می‌آید که در آن روزها همه چیز را سیاه می‌بینیم و هیچ چیزی شادی ما را بر نمی‌انگیزد. آنچه موجب می‌شود چنین احساس‌هایی به صورت اختلالات روانی درآیند، نوع و تعداد نشانه‌ها، شدت و مدت آن‌ها و حدی است که به جریان بهنجار زندگی روزمره آسیب می‌رساند. غمگینی معادل افسردگی (depression) نیست، اما بی‌تردید، افسردگی شامل حالت غمگینی است که بر زندگی روزمره، فعالیت، ارزشیابی خود، قضاوت و کنش‌های ابتدایی مانند خواب و اشتها اثر می‌گذارد. ممکن است غمگینی، واکنشی به یک رویداد رنج‌آور باشد و هنگامی مرض محسوب می‌شود که از نظر شدت و مدت، با در نظر گرفتن اهمیت این رویداد، جنبه افراطی پیدا کند؛ به‌ویژه وقتی بدون علت ظاهری آشکار شود.

بنابراین، غمگینی افراطی یا بدون علت موجه ظاهری، در چارچوب افسردگی قرار می‌گیرد. افراد افسرده معمولاً دوره شش ماهه افسردگی را سپری می‌کنند، کنش‌وری آن‌ها کم است و زندگی عادی‌شان مختل می‌شود (دادستان، ۱۳۸۰، ج ۱:



ص ۲۶۹-۲۷۰). حسود نیز همیشه قلبی حیران دارد و غم و اندوه همیشین اوست. حضرت علی فرمود: «من کثر حسده طال کمده؛ کسی که حسدش زیاد شد، غم جانکاهش نیز طولانی می شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۴۶، ص ۳۰۰).

حسود همیشه در ذهن خود نابودی دیگران را ترسیم می کند. او به جای اینکه به کار و کوشش پردازد، به سستی و رکود می گراید و به جای اینکه خود را به مرتبه انسان های کامل برساند، می کوشد با زوال نعمت از آنان، آن ها را به خود ملحق سازد. حضرت امیر در این باره فرمود: «طَهَّرُوا قُلُوبَكُمْ مِنَ الْحَسَدِ فَإِنَّهُ مَكْمَدٌ مُضْنِي؛ قلب هایتان را از حسد پاک کنید؛ زیرا حسد، شما را به غم جانکاه و ناتوانی مبتلا می سازد» (همان جا). آن حضرت در روایتی دیگر، حسود را به مرده متحرک تشبیه کرده است: «من لم يقهر حسده كان جسده قبرا لنفسه؛ هر کس بر حسادتش چیره نشود، بدنش به منزله قبرش خواهد بود» (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۸ق، ج ۲۰: ص ۲۵۸). روان شناسان معتقدند اندوه و افسردگی، یکی از آثار مهم حسد است (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ص ۴۸۹؛ پهلوان، ۱۳۸۳، ص ۵۳؛ سروش، ۱۳۸۵، ص ۲۲؛ Briant Gold department of psychology, 1995).

## ۲-۲-۵. تنهایی

حسادت هم مانند هر احساس منفی دیگری، از خود انرژی ای ساطع می کند که دیگران در برابر آن بی اعتنا نمی مانند. حسادت، فرد را نزد مردم منفور می کند (صدر، ۱۳۷۸، ص ۲۳۵)؛ زیرا زخم زبان های حضوری و بدگویی های غیابی او، مردم را می رنجاند و باعث می شود با او رفتاری سرد و گاه تهاجمی داشته باشند. معمولاً کسی دوست ندارد با افراد حسود ارتباط داشته باشد. لذا همه از حسود دوری می کنند و او در زندگی تنها می ماند. حضرت امیر می فرماید: «الحسود لا خُلَّةَ له؛ حسود دوستی و رفاقتی ندارد» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ص ۲۱).





## ۲-۲-۶. ناامنی اجتماعی

حسود به دیگران سوءظن دارد و در جامعه‌ای که شمار افراد حسود در آن زیاد است، مردم به یکدیگر اعتماد ندارند و به دشمنی و کینه‌توزی با هم می‌پردازند؛ در نتیجه، خیانت و جنایت افزایش یافته، امنیت جامعه به خطر می‌افتد. به فرموده حضرت علی علیه السلام: «شدة الحقد من شدة الحسد؛ شدت کینه‌توزی از شدت حسد ناشی می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۴۶، ص ۲۹۹).

افزون بر این، شدت حسادت در مواردی به جنگ و درگیری و قتل منجر می‌شود. حضرت امیر فرمود: «ما ذلّ قوم حتی ضعفوا و ما ضعفوا حتی تفرقوا و ما تفرقوا حتی اختلفوا و ما اختلفوا حتی تباغضوا و ما تباغضوا حتی تحاسدوا و ما تحاسدوا حتی استأثر بعضهم علی بعض؛ هیچ قومی خوار نشد مگر اینکه ضعیف شدند و ضعیف نشدند مگر اینکه جدا شدند و جدا نشدند مگر اینکه اختلاف پیدا کردند و اختلاف پیدا نکردند مگر اینکه به هم کینه‌توزی کردند و کینه‌توزی نکردند مگر اینکه به هم حسادت ورزیدند و حسادت نکردند مگر اینکه بعضی از آن‌ها بر بعضی دیگر انحصارطلبی و خودخواهی کردند» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ص ۳۱۸).

روانشناسان، رفتارهایی مانند کینه‌توزی (پهلوان، ۱۳۸۳، ص ۵۶)، چشم و هم‌چشمی (همان، ص ۵۷) و روابط نامناسب اجتماعی (گورنیه، ۱۳۸۴، ص ۴۱؛ Vecchio, 1995, p.202؛ Duffy, Shaw & Schaubroeck, 2008, p.168) را از پیامدهای حسد دانسته‌اند.

## ۲-۲-۷. عدم پیشرفت

اگر حسادت در جامعه‌ای راه یابد، حسودان نخواهند گذاشت افراد شایسته مطرح شوند؛ زیرا حسودان همیشه می‌کوشند تا دیگران را به عقب برانند و مانع پیشرفت آنان شوند و این برخلاف روح تکامل و ترقی جامعه است. تدبیر چنین جامعه‌ای به دست یک گروه حسود بی‌لیاقت می‌افتد. متأسفانه این افراد حسود، در میان خود به



حسادت مشغول شده، مانع رشد و پیشرفت جامعه می‌شوند؛ چرا که همواره در پی مچ‌گیری و رسوا کردن یکدیگرند تا بلکه یکدیگر را تضعیف کنند. انسان حسود هرگز موقعیت روحی، فکری، معنوی، خانوادگی و اجتماعی مناسبی برای سروری و بزرگی نخواهد یافت و هر جا قدم بگذارد، اسباب کوچکی و ذلت را با خود می‌برد و مطرود اطرافیان می‌شود. به‌راستی حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ چه زیبا فرموده است که: «الحسود لا يسود؛ حسود بزرگی و برتری نمی‌یابد» (تمیمی آمدی، ۱۳۴۶، ص ۲۹۹).

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چند گروه را از رسیدن به مقامات بالا محروم دانسته که یکی از آن‌ها حسود است: «لا يحلّ الدرجات العلی اللعان... و لا حسود؛ چند گروه به درجات عالی نمی‌رسند: لعان‌کننده... و حسود» (سیوطی، ۱۴۱۴ق، ج ۸: ص ۶۹۱).

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز فرمود: «لا يكون العبد عالما حتى لا يحسد من فوقه و لا يحقر من هو دونه؛ هیچ بنده‌ای دانشمند نمی‌شود مگر اینکه بر بالاتر از خود حسادت نکند و پایین‌تر از خود را تحقیر نکند» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ص ۱۹).

## ۲-۸. لذت نبردن از زندگی

حسود مدام در رنج و عذاب است و از زندگی خود هیچ لذتی نمی‌برد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «اقل الناس لذة الحسود؛ کم لذت‌ترین مردم، حسود است» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ص ۱۷۶).

اگر بائر داشته باشیم که روزی ما تعیین شده است و هیچ کس نمی‌تواند از آن بکاهد و هیچ قدرتی نمی‌تواند مانع آن شود، آن گاه احساس آرامش و راحتی می‌کنیم و می‌توانیم از زندگی خود لذت ببریم. حسود همواره لذت را در داشتن چیزی می‌داند که دیگران از آن برخوردارند. لذا از آنچه خودش دارد، بهره نمی‌برد، بلکه از داشته‌های ناراضی است و همواره در آرزو و حسرت به سر می‌برد. حسود آنچه را که دیگران دارند مایه‌ خوشبختی خود می‌داند، اما وقتی به آرزوهای خود دست می‌یابد، باز هم احساس بهره‌مندی و خوشبختی نمی‌کند و به



آنچه در دوردست‌ها وجود دارد، می‌اندیشد. بنابراین، حسود هیچ لذتی از زندگی نمی‌برد (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ص ۴۸۹).

## ۲-۲-۹. تشخیص نادرست

حسادت، حجاب ضخیمی در برابر شناخت حقایق می‌افکند و موجب می‌شود چشم و گوش اندیشه، کور و کر شود؛ از این رو، حسود از تشخیص زیبایی‌ها و نقاط قوت دیگران و ناهنجاری‌های رفتار خود ناتوان می‌گردد؛ چنان‌که ابلیس در اثر حسادت، از دیدن زیبایی‌های خدادادی آدم، و قایل از دیدن محاسن هابیل ناتوان شدند و از سوی دیگر، معایب خود را ندیدند و گمراه شدند. حضرت امیر فرمود: «الحسد حبس الروح؛ حسد روح انسان را زندانی می‌کند و از درک حقایق باز می‌دارد (تمیمی آمدی، ۱۳۴۶، ص ۲۹۹). وقتی روح زندانی تمایلات دنیوی باشد، از درک حقایق ناتوان و در تشخیص، دچار اشتباه می‌شود.

بنابراین همانطور که غزالی می‌گوید: «حسود را از مجالس و مجامع عائد نمی‌شود مگر مذمت و ذلت و از ملائکه به او نمی‌رسد مگر بغض و لعنت و از خلق نفعی نمی‌برد مگر غم و محنت و در وقت مردن نمی‌بیند مگر هول و شدت و در قیامت چیزی به او نمی‌رسد مگر عذاب و فضحیت» (غزالی، ۱۴۰۶ق، ج ۳: ص ۱۸۹). در یک کلام همان‌طور که حضرت علی فرمود: «ثمرة الحسد شقاء الدنيا والآخرة؛ نتیجه حسد، شقاوت دنیا و آخرت است» (همان، ص ۳۰۱).

گفتنی است در بیماری‌های روانی نیز همانند بیماری‌های جسمانی، هرگاه صفات رذیله بر محیط اجتماعی مستولی شود - به طوری که همه در خطر ابتلا قرار گیرند - کسی که می‌خواهد روانش از این رذایل پاکیزه باشد باید بهداشت روانی را مراعات کند. انسانی که نمی‌خواهد دچار حسادت شود باید هر شب هنگام خواب، رفتار و افکار خود را بررسی کند تا دریابد که آیا گرفتار حسادت شده است یا نه؟ اگر نتیجه این درون‌نگری بروز بیماری بود، فوراً باید برای ریشه‌کنی آن اقدام کند؛ زیرا درمان آن در ابتدا آسان است. کسی که می‌خواهد از حسد دور بماند باید خود را به



کردارهای نیک بیاراید و از انجام خواسته‌های نفس خودداری کند. البته درمان اختلالات روانی در مقایسه با بیماری‌های جسمانی دشوارتر است؛ چرا که بیماری روانی، امر ثابت نهانی است و برای درمان آن به گذشت زمان درازی نیاز است و اگر در مداوای آن مسامحه شود، ریشه‌دارتر و حادث‌تر خواهد شد.



## نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده طی این نوشتار، معلوم شد که دانشمندان اخلاق و روان‌شناسی به همه پیامدهای حسد دست نیافته‌اند و بررسی کامل این پیامدها با رویکرد جامع پژوهشی نیازمند واکاوی متون دینی است. بر اساس آیات و روایات، پیامدهای حسد به دو نوع معنوی و مادی تقسیم می‌شوند. از جمله آثار و پیامدهای حسد می‌توان به زایل شدن ایمان، آفت‌زدگی دین، فرو رفتن در گناه، تفرقه و اختلاف، بیماری‌های جسمی، نداشتن آرامش، افسردگی و تنهایی اشاره کرد. گرچه شماری از این پیامدها از یافته‌های روان‌شناختی است، بی‌توجهی به آیات و روایات در این موضوع به نقص در پیامدشناسی حسد می‌انجامد.

همه پیامدهای حسد با صفات باطنی و ظاهری که مؤمن باید به آن‌ها آراسته باشد، بیگانه‌اند؛ مؤمن به خداوند متعال و آنچه در میان بندگانش تقسیم کرده، خوش گمان است، در حالی که حسود به این امر ناراضی است. مؤمن برای دیگران بد نمی‌خواهد، اما حسود همیشه به زوال نعمت و نابودی محسود می‌اندیشد. دوستی دنیا بر مؤمن چیره نمی‌شود و خوش‌رفتار و گشاده‌رو و متواضع است، در حالی که حسود خلاف این صفات را داراست. در نهایت باید گفت ارتباط تنگاتنگ مذهب و سلامت روان، برجسته‌ترین نتیجه‌ای است که از این تحقیق استنباط می‌شود.



## کتاب‌نامه

۱. قرآن مجید، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین.
۲. نهج البلاغه (۱۳۸۶)، گردآوری سید رضی، ترجمه محمد دشتی، قم: بنیاد نهج البلاغه.
۳. آلوسی بغدادی، سید محمود (۱۴۰۵ق)، روح المعانی، چ ۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۱۸ق)، شرح نهج البلاغه. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۵. ابن شعبه حرّانی، ابو محمد (۱۳۸۵)، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، چ ۵، قم: آل علی.
۶. انصاری قرطبی، محمد بن احمد (۱۹۶۷م)، الجامع لاحکام القرآن، چ ۲، بیروت: دار احیاء تراث عربی.
۷. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۱۳۷۴)، روان‌شناسی رشد (۱): با نگرش به منابع اسلامی، تهران: سمت.
۸. پهلوان، حمید (۱۳۸۳)، حسادت، زمینه‌های رشد و راه‌های جلوگیری از آن، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۴۶)، غرر الحکم و درر الکلم، تنظیم سید جلال‌الدین ارموی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)، وسائل الشیعه، قم: آل‌ال‌بیت.
۱۱. دادستان، پریخ (۱۳۸۰)، روان‌شناسی مرضی تحولی، تهران: سمت.
۱۲. دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۷۲)، ارشاد القلوب، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. رازی، فخرالدین (۱۴۱۱ق)، التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۴. زمخشری (جارالله)، محمود بن عمر (۱۴۱۵ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چ ۲، قم: نشر البلاغه.



۱۵. سروش، محمدعلی (۱۳۸۵)، *شعله‌های سرد*، قم: دار الحديث.
۱۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۱۴ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، بیروت: دار الفکر.
۱۷. شهید ثانی (زین الدین عاملی جبعی) (۱۳۶۲)، *کشف الریبة عن احکام الغیبة*، تحقیق علی خراسانی، عراق: مکتبة الامام صاحب الزمان.
۱۸. صادقی، اسماعیل (۱۳۸۲)، *حسد و مضرات و عواقب آن*، قم: ناصر.
۱۹. صدر، سید رضا (۱۳۷۸)، *حسد*، ج ۲، قم: دفتر تبلیغات.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة.
۲۱. غزالی، ابو حامد محمد بن محمد (۱۴۰۶ق)، *احیاء علوم الدین*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۲. فیض کاشانی، ملا محسن (بی تا)، *محجّة البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، ج ۲، قم: اسلامی.
۲۳. قمی، شیخ عباس (۱۳۶۳)، *سفینه البحار*، تهران: فراهانی.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۱ق)، *الکافی*، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، چ ۲، تهران: مکتبة الصدوق.
۲۵. گورنیه، بثاتریس و اگنس روسو (۱۳۸۴)، *غلبه بر حسادت*، ترجمه فروزان تجویدی، تهران: جیحون.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، چ ۲، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۲۷. مراغی، احمد مصطفی (۱۹۸۵م)، *تفسیر المراغی*، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۳)، *اخلاق در قرآن*، قم: مؤسسه امام خمینی رحمته الله.
۲۹. موسوی الخمینی، سید روح الله (۱۳۷۲)، *شرح چهل حدیث*، چ ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله.
۳۰. نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، قم: آل البيت عليهم السلام.



31. Briant Gold department of psychology. (1995), *Envous nessandits relation shipto malapyust mentandpsychology* ,yorkuni versity, conada.
32. Duffy, M. K., Shaw, J. D. & Schaubroeck, J. M. (2008), “Envy in organizational life. Envy: theory andresearch”, *Oxford University Press*, P.167-189.
33. Hurlock, E.B. (1959), *Developmental Psychology*, 2th ed, Mc Graw Hill.
34. Hurlock, E. B. (1978), *child development*, 6th ed, Mc Graw Hill.
35. Vecchio,R. P. (1995), “Its not easy being green: Jealousy and Envy in the workplace”, *Research in Personneland Human Resources Management*, Vol.13, P.201-244.





## References

1. *The Holy Quran* (2009), translated by Nasser Makarem Shirazi, Qom: amir al-momenin (persian).
2. *Nahj al-Balaghe* (2007), seyed razi, translated by Mohammad Dashti, Qom: amir al-momenin (persian).
3. Alusi Baghdadi, M. (1405 AH), *Rouh al-Ma'ani*, 4th ed, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
4. Ansari Qurtubi, M. (1967), *Al-Jame 'Lahkam Al-Quran*, 2th ed, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
5. Briant Gold department of psychology. (1995), *Envous nessandits relation shipto malapyust mentandpsychology* ,yorkuni versity, conada.
6. Dadsetan, P. (2001), *Transformational Morbidity Psychology*, Tehran: Samt (persian).
7. Deilami, H. (1993), *Ershad al-Qoloub*, Qom: Islamic Publications Office (arabic).
8. Duffy, M. K., Shaw, J. D. & Schaubroek, J. M. (2008), "Envy in organizational life. Envy: theory andresearch", *Oxford University Press*, 167-189.
9. Feyz Kashani, M. (undated), *Mahjah al-Bayza fi Tazhib al-Ehya*, 2th ed , Qom: Islami (arabic).
10. Ghazali, M. (1406 AH), *Ehya al-Olum al-Din*, Beirut: Dar al-Kotob al-Elmie (arabic).
11. Gurnie, B. & Rousseau, A. (2005), *Overcoming Envy*, Translated by Forouzan Tajvidi, Tehran: Jeyhun (persian).
12. Horr A'meli, M. (1412 AH), *vasael al-Shi'a*, Qom: Al al-beit (arabic).
13. hozeh and University Cooperation Office (1995), *Growth Psychology (1): Towards an Islamic Resources*, Tehran: Samt (persian).
14. Hurlock, E.B. (1959), *Developmental Psychology*, 2th ed, Mc Graw Hill.
15. Hurlock, E. B. (1978), *child development*, 6th ed, Mc Graw Hill.
16. Ibn Abi al-Hadid, A. (1418 AH), *Description of Nahj al-Balaghe*, Beirut: Dar al-Kotob al-Elmie (arabic).
17. Ibn Shobe Harrani, A. (2006), *Tohaf al-Oqul*, Translated by Sadegh Hassanzadeh, 5th ed, Qom: Al Ali (arabic).
18. Koleini, M. (1381 AH), *al-Kafi*, Correction and Suspension Ali Akbar Ghaffari. 2th ed, Tehran: Maktabah al-Saduq (arabic).
19. Majlesi, M. B. (1403 AH), *Behar al-Anwar*, 2Th ed, Beirut: al-Wafa Institute (arabic).
20. Maraghi, A.M. (1985), *Interpretation of al-Maraghi*, 2Th ed, Beirut: Dar al-Torath al-Arabi (arabic).
21. Mesbah Yazdi, M. T. (2004), *Ethics in the Quran*, Qom: Imam Khomeini Institute (persian).
22. Mousavi al-Khomeini, R. (1993), *Description of Forty Hadith*, 3th ed, Tehran: Institute for the Design and Publication of Imam Khomeini's Works (arabic).
23. Nouri Tabari, H. (1408 AH), *Mostadrak al-Vasa'il*, Qom: Al al-beit (arabic).
24. Pahlavan, H. (2004), *Envy, Growth and Ways to Prevent It*, Tehran: Center for Islamic Studies of IRIB (persian).
25. Qomi, A. (1363), *Safinah al-Bihar*, Tehran: Farahani (arabic).
26. Razi, F. (1411 AH), *al-Tafsir al-Kabir aw Mafatih al-Gheyb*, Beirut: Dar al-Kotob al-Elmie (arabic).
27. Sadeghi, I. (2003), *Envy and its Consequences*, Qom: Naser (persian).
28. Sadr, R. (1378), *Envy*, 2th ed, Qom: Advertising Office (persian).
29. Shahid sani, z. (1987), *Kashf al-Raiba an Ahkam al-Gheiba*, Inquiry Ali Khorasani, Iraq: Maktabt al-Imam Saheb al-Zaman (arabic).
30. Soiuti, A. (1414 AH), *al-Durr al-Mansur fi al-Tafsir be al-Masur*, Beirut: Dar al-Fekr (arabic).
31. Soroush, M. A. (2006), *Cold Flames*, Qom: Dar al-Hadith (persian).
32. Tabarsi, F (1406 AH), *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Marefah (arabic).
33. Tamimi Amedi, A. (1967), *Ghorar al-Hikam and Dorar al-Kalem*, edited by Seyyed Jalal al-din Ormavi, Tehran: University of Tehran (persian).
34. Vecchio, R. P. (1995), "Its not easy being green: Jealousy and Envy in the workplace", *Research in Personneland Human Resources Management*, Vol.13, P.201-244.
35. Zamakhshari (Jarallah), M. (1415 AH), *al-Kashaf an Haqaieq Ghavamez al-Tanzazil*, 2th ed, Qom: al-Balagheh Publishing (arabic).